

رانت نفت: شادی آفرین یا محنت بار؟^۱

هانیه صداقت کالمرزی

دکتری اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

sedaghatkalmarzi.haniyeh@razi.ac.ir

شهرام فتاحی (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

sfattahi@razi.ac.ir

کیومرث سهیلی

دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

qsoheily@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱

چکیده:

رسیدن به شادی یا شادکامی همواره یکی از اهداف جوامع بشری بوده است که توجه بسیاری از حکمرانان، اندیشمندان و پژوهشگران را به خود جلب کرده است. در این میان ارتباط درآمدهای نفت و شادی در کشورهای صادرکننده نفت موضوع مهمی است که کمتر مورد توجه بوده است. در بسیاری از مطالعات داخلی و خارجی ارتباط رانت حاصل از درآمدهای نفتی با بسیاری از متغیرهای مهم اقتصادی همچون رشد اقتصادی در چارچوب فرضیه نفرین منابع بررسی شده است اما تاکنون تاثیر رانت نفت بر شادی در چارچوب فرضیه نفرین منابع مورد مطالعه قرار نگرفته است بنابراین هدف این مقاله بررسی نحوه اثرگذاری رانت حاصل از درآمدهای نفت بر شادی و آزمون نمودن فرضیه نفرین منابع و تاثیر آستانه‌ای رانت نفت بر شادی در کشورهای منتخب اوپک در بازه زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۶ است. بدین منظور با استفاده از ادبیات نظری و بکارگیری روش پانل آستانه‌ای، عوامل موثر بر شادی مدل‌سازی شده است. نتایج برآورد مدل‌های پژوهش نشان داده است که تاثیر نفت بر شادی غیرخطی و آستانه‌ای است بدین معنا که تا قبل از حد آستانه ۴۳٪ از نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی، این متغیر تاثیری مثبت و معنی‌دار بر شادی داشته است اما پس از عبور از این حد آستانه، نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی تاثیری منفی و معنی‌دار بر شادی در کشورهای اوپک داشته است.

طبقه‌بندی *JEL*: Q30، J31، Q33، O53، C23

کلیدواژه‌ها: درآمد نفتی، شادی، فرضیه نفرین منابع، کشورهای اوپک، پانل آستانه‌ای

^۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری خانم هانیه صداقت کالمرزی به راهنمایی دکتر شهرام فتاحی و مشاوره دکتر کیومرث سهیلی است.

۱. مقدمه

رسیدن به شادی یا شادکامی همواره یکی از اهداف جوامع بشری بوده است که توجه بسیاری از حکمرانان، اندیشمندان و پژوهشگران را به خود جلب کرده است. شواهد علمی نیز نشان داده است که شادی بیشتر موجب پویایی بیشتر ذهن، شکوفا شدن استعداد، طول عمر بیشتر، کارکرد بهتر، تولید و بهره‌وری بیشتر و در نتیجه اشتغال بیشتر و اقتصادی سالم تر می‌شود (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۵). لذا شناسایی عوامل موثر بر شادی اولین گام برای دستیابی به شادی بیشتر در جامعه محسوب می‌شود. در این میان محققان عوامل اقتصادی، اجتماعی، روانشناختی و فرهنگی موثر بر شادی را بررسی کرده‌اند. در میان عوامل اقتصادی موثر بر شادی نیز متغیرهای متفاوتی مانند درآمد (استرلین^۱، ۱۹۹۵؛ ون پراگ و کرپونل^۲، ۲۰۰۴ و کاربلی و سدزینی^۳، ۲۰۰۹)، نابرابری توزیع درآمد (آلسینا و همکاران^۴، ۲۰۰۴)، ثروت (آرگایل^۵، ۲۰۱۳)، تورم و بیکاری (نابه و راتزل^۶، ۲۰۱۰) و سیاست‌های پولی (راپرا و لیونگاس^۷، ۲۰۱۱) مورد بررسی قرار گرفته است. در خصوص تاثیر رانت حاصل از منابع طبیعی همچون رانت نفت بر شادی مطالعات کمتری انجام شده است. از جمله این مطالعات می‌توان به مطالعه اوپالی و نواچونکو^۸ (۲۰۱۹) و مطالعه علی^۹ و همکاران (۲۰۲۰) اشاره نمود. در مطالعه اوپالی و نواچونکو (۲۰۱۹) با بررسی تاثیر رانت نفت بر شادی در برخی کشورهای آفریقایی نشان داده اند رانت نفت نتوانسته به شکل معنی‌داری موجب افزایش شادی در این کشورها شود اگرچه افزایش قیمت نفت تاثیر مثبتی بر شادی داشته است. در مطالعه علی و همکاران (۲۰۲۰) نیز با بررسی جامع‌تری از کشورهای دارای منابع طبیعی به این نتیجه دست یافته‌اند که رانت نفت تاثیر منفی بر شادی داشته است. به نظر می‌رسد نتیجه واحدی مبنی بر اثرگذاری رانت نفت بر شادی در مطالعات پیشین وجود ندارد لذا مطالعه حاضر سعی می‌کند با یک تصریح غیرخطی و بررسی فرضیه اثرگذاری غیرخطی رانت نفت بر شادی زاویه جدیدی از نحوه اثرگذاری رانت نفت بر شادی را به پیشینه موجود اضافه نماید.

^۱. Easterlin

^۲. Van Praag and Carbonell

^۳. Carabelli, A. M. & M. A. Cedrini.

^۴. Alesina, Alberto, Rafael Di Tella, and Robert MacCulloch.

^۵. Argyle, M.

^۶. Knabe & Rätzel.

^۷. Ruprah, Inder & Luengas, Pavel

^۸. Opaleye & Nwachukwu

^۹. Ali

پدیده نفرین منابع به منظور توضیح علل و ریشه‌های توسعه‌نیافتگی کشورهای دارای منابع غنی طبیعی، اگرچه قدمتی تاریخی دارد اما از نظر علمی در دهه ۹۰ توسط محققانی چون آتی^۱ (۱۹۹۳) و ساچز و وارنر^۲ (۱۹۹۵) مطرح و تکامل یافت. این پدیده نیز ابعاد گوناگون و فور منابع طبیعی در کشورهای غنی از این منابع را تشریح نموده است از جمله گسترش فساد و تقویت فعالیت‌های رانتجویی (آرنکی و بوچه^۳ ۲۰۱۱، ابکه و امگبا^۴ ۲۰۱۱)، تضعیف حکمرانی و دموکراسی (بسه و گرونینگ^۵ ۲۰۱۳، بولند^۶ ۲۰۱۲)، افزایش نابرابری توزیع درآمد (بوکلاتو و الساندرینی^۷ ۲۰۰۹، مالای^۸ و همکاران ۲۰۱۵ و نادمی^۹، ۲۰۱۸) و کاهش انباشت سرمایه و تنزل بهره‌وری (فیلیپوت^{۱۰} ۲۰۱۰، بلانکو و گریر^{۱۱} ۲۰۱۲، تاپ و کیلوس^{۱۲} ۲۰۱۴). به نظر می‌رسد که تاثیر و فور منابع طبیعی همچون نفت بر شادی جامعه نه در مطالعات خارجی و نه در مطالعات داخلی مورد بررسی و آزمون قرار نگرفته است لذا این مطالعه برای نخستین بار رابطه نفت و شادی در کشورهای نفتی را مورد بررسی قرار می‌دهد لذا می‌تواند از این منظر نکات جدیدی به فرضیه نفرین منابع اضافه نماید و این خلا مطالعاتی را به سهم خود تا حدودی پر نماید و راه را برای مطالعات بیشتر در این زمینه نیز باز نماید.

فرضیه اصلی پژوهش تاثیر آستانه‌ای رانت نفت بر شادی در کشورهای عضو اوپک است و به دنبال پاسخگویی به این سوال است که نحوه اثرگذاری رانت نفت بر شادی در چارچوب فرضیه نفرین منابع در کشورهای صادرکننده نفت عضو اوپک چگونه است.

این مطالعه از شش بخش تشکیل شده است. در بخش بعدی مبانی نظری اثرگذاری رانت نفت بر شادی ارائه شده است و در بخش سوم پیشینه پژوهش بحث می‌شود. در بخش چهارم مدل پژوهش تصریح شده و داده‌های اصلی توصیف آماری می‌شوند. بخش پنجم به

1. Auty

2. Sachs & Warner

3. Arezki & Bruckner

4. Ebeke & Omgba

5. Busse & Groning

6. Bowland

7. Buccellato & Alessandrini

8. Mallaye

9. Nademi

10. Philippot

11. Blanco and Grier

12. Topp & Kulys

تحلیل نتایج برآورد مدل‌های پژوهش اختصاص یافته است و در نهایت در بخش پایانی نتیجه‌گیری و پیشنهاد ارائه می‌شود.

۲. مبانی نظری

۲-۱. اقتصاد شادی

شادی و خوشبختی به طور کلی یکی از مهمترین اهداف زندگی جوامع بشری محسوب می‌شوند. تقریباً همه می‌خواهند شاد و خوشبخت باشند. اعلامیه استقلال ایالات متحده در سال ۱۷۷۶، خوشبختی را به عنوان حقیقتی واضح و روشن می‌داند و پیگیری آن یک حق غیرقابل انکار است که قابل مقایسه با حق زندگی و آزادی است (فری و استاتزر، ۲۰۰۲). بنابراین از یک منظر می‌توان گفت علم اقتصاد باید درباره شادی فردی باشد؛ به ویژه اینکه چگونه عواملی چون رشد اقتصادی، بیکاری و تورم و سایر عوامل مانند حکمرانی بر شادی و خوشبختی افراد تاثیر می‌گذارند (فری و استاتزر، ۲۰۰۲).

علاوه بر این موارد، دلایل مهمی برای اقتصاددانان برای پرداختن به پژوهش‌های شادی و خوشبختی وجود دارد. در سطح خرد، دنبال کردن حداکثرسازی خوشبختی مفهوم گسترده تری نسبت به حداکثرسازی تابع مطلوبیت دارد (فری و استاتزر، ۲۰۰۰). در سطح کلان، سیاست اقتصادی باید با در نظر گرفتن مبادله بین متغیرهای اقتصادی همچون بیکاری و تورم، هدف سیاستی خود را در راستای ارتقای سطح خوشبختی و شادی جامعه قرار دهد (فری و استاتزر، ۲۰۰۲). دلیل دیگر اینکه شادی مربوط به اقتصاددانان است، تأثیر شرایط نهادی مانند کیفیت حکمرانی و سرمایه اجتماعی بر رفاه فردی است (فری و استاتزر، ۲۰۰۰).

اقتصاد شادی یا اقتصاد خوشبختی^۲ امروزه جایگاه مهمی در پژوهش‌های اقتصادی ایفا می‌کند و روز به روز توجه اقتصاددانان به مباحث مرتبط با شادی بیشتر می‌شود. اقتصاد خوشبختی یک رویکرد برای ارزیابی رفاه است که ترکیبی از روش‌ها و تکنیک‌هایی است که معمولاً توسط اقتصاددانان استفاده می‌شود با آنهایی که به طور مرتب مورد استفاده روانشناسان قرار می‌گیرند. در اقتصاد شادی علاوه بر بررسی موارد اقتصاد متعارف بر شادی

^۱. Frey & Stutzer

^۲. Economics of Happiness

و رفاه ذهنی، سایر عوامل نهادی، ساختاری و اجتماعی بر شادی مورد بررسی قرار می‌گیرد (گراهام^۱، ۲۰۰۵).

۲-۲. نفرین منابع

نفرین منابع به پدیده‌ای گفته می‌شود که در برخی کشورهای دارای منابع طبیعی غنی، درآمد حاصل از این منابع بجای اینکه موجب تسریع فرآیند رشد و توسعه در این کشورها شود، بالعکس موجب کند شدن رشد اقتصادی و وقفه در فرآیند توسعه اقتصادی می‌شود. این یافته که درآمد حاصل از منابع طبیعی برای کشورهای دارای ذخایر غنی بیشتر موجب نفرین شده تا موهبت در ابتدا به نظر متناقض می‌رسد بطوریکه توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است (ساچز و وارنز^۲، ۲۰۰۱). مباحث مختلفی در خصوص دلایل ناکارایی اقتصادی ناشی از اتکاء اقتصاد این کشورها به درآمد حاصل از منابع طبیعی بیان شده است که عبارتند از: تقویت فرآیندهای رانتجویی، استقلال مالی دولت از اقتصاد داخلی، توهم دولت توسعه‌گرا، افزایش مخارج دولتی و اندازه دولت، تخصیص ناکارای رانت نفت و بروز بیماری هلندی، تضعیف دموکراسی و نوسانات شدید و ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی (زمان زاده و الحسینی، ۱۳۸۹). همچنین فساد و رانت ناشی از درآمدهای نفتی به شدت کارایی اقتصادی را کاهش می‌دهد (باتاچاریا و هولدر^۳، ۲۰۱۰).

ابعاد گسترده پدیده نفرین منابع به موارد بالا محدود نمی‌شود و شامل اثرات رانت نفت بر ناکارایی مصرف انرژی (عبادی و همکاران، ۱۳۹۷)، آلودگی محیط زیست (فطرس و همکاران، ۱۳۹۰)، کیفیت نهادی (مشیری و حیاتی^۴، ۲۰۱۷)، سرمایه اجتماعی (بهبودی و همکاران، ۱۳۹۲)، سرمایه انسانی (نادمی و زبیری، ۱۳۹۶) و بسیاری متغیرهای دیگر نیز می‌شود.

از آنجاییکه تمرکز اصلی مقاله بر آزمون فرضیه نفرین منابع در ارتباط با شادی در کشورهای صادرکننده نفت است در ادامه ادبیات نظری تاثیر رانت نفت بر شادی مبتنی بر فرضیه نفرین منابع ارائه خواهد شد.

۳-۲. ادبیات نظری ارتباط رانت نفت بر شادی

درآمدهای نفتی و رانت حاصل از آن به طرق مختلفی می‌تواند بر شادی جامعه اثرگذار باشد. این اثرات هم می‌تواند مثبت باشد و هم ممکن است منفی باشد لذا نفت اثرات

1. Graham

2. Sachs & Warner

3. Bhattacharyya, & Hodler

4. Moshiri & Hayati

متضادی بر شادی در جامعه می‌تواند داشته باشد. همین اثر متضاد و متفاوت می‌تواند نشان دهنده غیرخطی بودن اثرگذاری رانت نفت بر شادی باشد لذا در ادامه اثرات مثبت و منفی احتمالی آن مورد بحث قرار می‌گیرد.

الف- اثرات مثبت احتمالی رانت نفت بر شادی

درآمدهای نفت از طریق فراهم نمودن منابع درآمدی قابل توجه برای تامین بودجه دولت می‌تواند از یک طرف بار مالیاتی بر دوش مردم را کاهش دهد و لذا درآمد قابل تصرف مردم را بیشتر کند و در نتیجه افزایش درآمد مردم از طریق مخارج تفریحی، مسافرتی، سرگرمی و خرید انواع کالاها و خدمات موجبات آسایش بیشتر مردم را فراهم نماید. همچنین وجود درآمد نفت بالا، امکان اینکه مخارج توسعه محور دولت همچون مخارج آموزشی، بهداشتی، تفریحی، ورزشی، زیرساختهای انرژی و راهسازی و در کل تولید بیشتر کالاهای عمومی را افزایش داده و از طریق در اختیار گذاشتن این امکانات به طور نسبتاً ارزان موجبات آسایش و احتمالاً شادی بیشتر آحاد جامعه را فراهم نماید. در این میان برخی کشورهای نفتی از طریق ساخت امکانات مدرن ورزشی و تفریحی و برگزاری مسابقات بین المللی ورزشی چنین هدفی را دنبال نموده‌اند. کشور امارات متحده عربی مثالی مناسب از این دست کشورهاست. تاسیس وزارت خانه شادی و بردباری^۱ در کشور امارات نیز گویای اهتمام این کشور نفتی به بحث افزایش شادی است (شمسی^۲ و همکاران، ۲۰۱۸).

درآمدهای نفتی نیز از یکسو می‌تواند موجب تحکیم امنیت در کشورهای نفتی شود (زمانزاده و الحسینی، ۱۳۹۱) و در نتیجه افزایش امنیت به مردم احساس آسایش خاطر بیشتری دهد و زمینه لازم برای ارتقای شادی در جامعه را فراهم نماید. به عبارت دیگر در صورت نبود امنیت در جامعه نمی‌توان شاهد افزایش شادی جامعه بود و بالعکس عدم امنیت خود یکی از دغدغه‌های ذهنی در برخی جوامع در حال توسعه است که سطح شادی در جامعه را نیز کاهش می‌دهد (کوونیل^۳، ۲۰۰۲).

افزایش درآمدهای نفتی و توزیع آن از طریق اعطای یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم نیز می‌تواند تا حدودی از طریق کاهش فقر مطلق موجب افزایش شادی بخصوص در اقشار ضعیف جامعه شود. اعطای بیمه بیکاری و حقوق بازنشستگی مناسب می‌تواند آرامش خاطر بیشتری به جامعه داده و لذا دستکم از کاهش شادی جلوگیری نماید. همچنین درآمدهای نفتی، توان مداخله دولت در بازارها را به منظور ثبات قیمت‌ها افزایش داده و لذا از طریق

^۱. Ministry of Happiness and Tolerance

^۲. Shamsi

^۳. Ouweneel

با ثبات نگه داشتن نرخ ارز و قیمت کالاهای قابل تجارت و سیاست تنظیم بازار می‌تواند تا حدی موجب رضایت خاطر در کوتاه‌مدت شود.

افزایش درآمدهای نفتی می‌تواند موجب افزایش توان دولت برای افزایش حقوق و دستمزد کارکنان دولت و بازنشسته‌های دولتی شود و یک رضایت نسبی دستکم در کوتاه‌مدت برای آنها فراهم کند. این افزایش درآمد می‌تواند موجب افزایش میزان کمک‌های مردم به موسسات خیریه و نهادهای حمایتی نیز شده و لذا تاثیراتی مثبت بر شادی در جامعه بر جای بگذارد.

در صورتیکه درآمدهای نفتی به توسعه کسب و کارهای جدید، حمایت از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، حمایت از نخبگان علمی جامعه در راستای تجاری سازی ایده‌ها و ارتقای کیفیت سرمایه انسانی تخصیص یابد می‌تواند موجب ماندگاری سرمایه‌های مادی و انسانی در جامعه شود و لذا از فرار سرمایه داران و نخبگان جلوگیری نماید. همچنین این درآمدها می‌تواند در راستای تقویت و ارتقای فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نهادهای مدنی خرج شود و لذا از طریق افزایش آگاهی آحاد جامعه و تقویت اعتماد، مشارکت و همدلی سرمایه اجتماعی را تقویت نماید و تقویت سرمایه اجتماعی موجب احساس رضایت اجتماعی مردم شود و در نتیجه سطح شادی در جامعه را ارتقا دهد.

ب- اثرات منفی احتمالی رانت نفت بر شادی

رانت نفت علاوه بر آنکه می‌تواند در برخی کشورها از طریق تقویت نظم دسترسی محدود و توزیع گزینشی رانت نفت میان صاحبان قدرت و انگیزه حفظ نظم موجود توسط صاحبان قدرت در جامعه، به تحکیم امنیت کمک نماید اما از سوی دیگر می‌تواند به دلیل نابرابری توزیع رانت نفت در جامعه بین گروه‌های مرجع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی انگیزه‌های خشونت، اعتراض و شورش را در میان گروه‌های غیربرخوردار از رانت نفت با انگیزه تغییر قانده بازی توزیع گزینشی رانت افزایش داده و در نهایت به گسترش خشونت و ناامنی نیز منجر شود (زمانزاده و الحسینی، ۱۳۹۱). به عبارت دیگر اگر توزیع رانت نفت گزینشی باشد و موجب تشدید احساس نارضایتی مردم بی بهره از رانت شود می‌تواند موجب خشونت در جامعه شود و این خشونت می‌تواند خود را به طرق گوناگون همچون تظاهرات، اعتراضات صنفی و مردمی و در مرحله‌ی حادث‌تر یک انقلاب تمام عیار منجر شود. به عنوان مثال لیبی اگرچه با رانت حاصل از نفت توانسته بود امنیت عمومی مردم را برای دهه‌ها تامین نماید اما توزیع گزینشی رانت نفت توسط حاکمان پیشین و تشدید و انباشت نارضایتی عمومی در نهایت موجب انقلابی ویرانگر در این کشور شد بطوریکه ناامنی و گسترش خشونت‌ها

پس از گذشت چندین سال از انقلاب در این کشور همچنان ادامه دارد لذا رانت نفت پتانسیل ایجاد خشونت و کاهش شدید سطح شادی در جامعه را نیز دارد. به عبارت دیگر از منظر دیدگاه نهادگرایی جدید، اگر رانت نفت موجب تقویت نظم دسترسی محدود^۱ شود، پتانسیل عظیمی از خشونت در جامعه را با خود به همراه دارد (نورث^۲ و همکاران، ۲۰۰۷) که موجب کاهش شادی آحاد جامعه می‌شود.

رانت نفتی از طریق فراهم نمودن منبع درآمد کافی برای دولت موجب احساس عدم نیاز دولت به درآمدهای مالیاتی می‌شود و لذا به تضعیف نظام مالیات ستانی منجر شده و عدم شفافیت در اقتصاد را افزایش می‌دهد. تضعیف نظام مالیاتی به عنوان حلقه‌ی واسطه‌ی اقتصاد دولتی و مردمی، موجب کم‌رنگ شدن ارتباط سیاستگذاری اقتصادی با تقویت اقتصاد مردمی شده و لذا از طریق اثرات منفی ناشی از سیاستگذاری ضد توسعه‌ای و ضد تولیدی، در نهایت کاهش بلندمدت رشد اقتصادی را به دنبال دارد و لذا در پی این کاهش رشد اقتصادی، افزایش نرخ بیکاری موجب ایجاد نارضایتی عمومی شده و سطح شادی مردم را کاهش می‌دهد. همچنین نبود نظام مالیاتی قدرتمند و عدم احساس نیاز دولت به چنین نظامی، موجب تقویت عدم پاسخگو بودن دولت به مردم می‌شود و لذا پایه‌های دموکراسی و جامعه مدنی در جامعه تضعیف می‌شود و از طریق ایجاد نارضایتی سیاسی، سطح شادی در جامعه را کاهش می‌دهد (زمانزاده و الحسینی، ۱۳۹۱).

وجود منابع عظیم رانت نفت، دولت را به کانونی برای خلق و توزیع رانت تبدیل می‌کند و از طریق تشدید فعالیت‌های رانت‌جویی و گسترش فساد اقتصادی به اعتماد مردم به دولت آسیب وارد می‌کند و لذا سطح شادی مردم را می‌تواند کاهش دهد. همچنین وابستگی شدید اقتصاد به رانت نفتی موجب انتقال نوسانات و شوک‌های خارجی همچون تحریم‌ها یا شوک منفی قیمت نفت به اقتصاد داخلی شده و از طریق ایجاد نوسانات شدید در اقتصاد داخلی می‌تواند منشا نارضایتی گسترده مردم شود. از طرف دیگر وابستگی اقتصاد به نفت و وجود بیماری هلندی موجب عدم توازن بخش قابل تجارت و غیرقابل تجارت در اقتصاد می‌شود و به دلیل افزایش قیمت‌های نسبی کالاهای غیرقابل تجارت نسبت به کالاهای قابل

^۱ نظم دسترسی محدود اصطلاحی است که نهادگرایان جدید برای تبیین علل توسعه نیافتگی کشورها ارائه داده‌اند. این نوع نظم اقتصادی-سیاسی از طریق محدود کردن رقابت در اقتصاد و توزیع گزینشی رانت ناشی از آن در بین صاحبان قدرت، انگیزه کنترل خشونت در میان گروه‌های قدرتمند جامعه را افزایش داده و لذا از این طریق به حفظ نظم و امنیت در جامعه منجر شده اما بهای آن ناکارآمدی اقتصادی و سیاسی است. (برگرفته از نورث و همکاران، ۲۰۰۷)

^۲ North

تجارت، تخصیص منابع را به سمت بخش غیرقابل تجارت و گسترش واسطه‌گری سوق می‌دهد که نتیجه‌ی آن تضعیف بخش قابل تجارت اقتصاد و تشدید نابرابری توزیع درآمد و تقویت احساس نارضایتی در دهک‌های کم درآمد جامعه است که تأثیری منفی بر سطح شادی برجای می‌گذارد (شاگری و همکاران، ۱۳۹۲).

گسترش درآمدهای نفتی و افزایش مخارج دولتی به بزرگ‌تر شدن اندازه دولت در اقتصاد منجر می‌شود و لذا سهم نسبی بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی را از طریق اثر برون‌رانی کاهش می‌دهد و لذا موجب تضعیف بخش خصوصی در اقتصاد شده و در بلندمدت اثراتی منفی بر تولید و اشتغال برجای می‌گذارد. گسترش اندازه دولت نیز علاوه بر بالا بردن مخارج مصرفی دولت عمدتاً به تشدید ناکارآمدی اقتصادی نیز منجر می‌شود و همچنین از طریق گسترش بروکراسی ناکارآمد به مانعی بر سر راه اقتصاد مردمی نیز تبدیل می‌شود. دولت بزرگ در برخی کشورها خود به بنگاه داری و فعالیت در بازار می‌پردازد و از طریق ایجاد فضای انحصاری برای تولیدکنندگان خود موجب زیان رفاهی مصرف‌کنندگان نیز می‌شود. همچنین به هنگام شوک‌های منفی نفت، احتمال کسری بودجه در کشورهای وابسته به نفت قوت می‌گیرد و نحوه تامین این کسری خود آثار عمدتاً مخربی بر اقتصاد برجای می‌گذارد. به عنوان مثال تامین کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی موجب تورم در این کشورها شده و این تورم به مثابه یک مالیات پنهان (مالیات توری) - از طریق کاهش قدرت خرید بخش عظیمی از جامعه و در عین حال از طریق افزایش نابرابری توزیع درآمد موجب کاهش سطح شادی در جامعه می‌شود (نادمی، ۲۰۱۸).

۳. پیشینه پژوهش

در این بخش، مطالعات مرتبط با شادی در داخل و خارج کشور مرور شده است تا بتوان شناختی نسبی نسبت به عوامل موثر بر شادی پیدا کرد.

نیلی و بابازاده خراسانی (۱۳۹۱) مبتنی بر رویکرد اقتصاد شادکامی به بررسی عوامل موثر بر رفاه ذهنی در ایران در سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ پرداخته اند که نتایج آنها از ۴۶۲۳۰ مشاهده جمع آوری شده حاکی از تأثیر عوامل درآمد، وضعیت شغلی، سلامت فردی، اعتقادات مذهبی، روابط و پیوندهای خانوادگی، سن و جنسیت بر سطح رفاه شهروندان ایرانی است.

فلیحی پیربستی و رهبری نژاد (۱۳۹۱) ضمن تقسیم خوشبختی به خوشبختی کالایی و خوشبختی ذهنی، با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای و بکارگیری روش اقتصاد سنجی عوامل

موثر بر خوشبختی ذهنی را در تهران مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. همچنین آنها یک الگوی سیستم دینامیکی برای تجزیه و تحلیل مکانیسم خوشبختی ارائه کرده اند که در این سیستم از متغیرهایی مثل آلودگی، هزینه های خانوار، هزینه سلامت، هزینه های تحقیق و توسعه، درآمد سرانه و امید به زندگی استفاده شده است و با استفاده از سناریوهای مختلف این موضوع در تعادل عمومی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این تحقیق نشان داده است که افزایش احساس خوشبختی در افراد باعث افزایش بهره وری نیروی کار می شود. سناریوهای مورد بررسی نیز نشان داد که کاهش هزینه های خانوار باعث کاهش احساس خوشبختی می شود و آلودگی باعث افزایش میزان خوشبختی می شود. نتایج پرسشنامه که در تهران مورد بررسی قرار گرفت نیز نشان داد که اختلاف معنی داری بین خوشبختی زنان و مردان وجود ندارد و احساس سلامتی، رضایت شغلی، سلامت مذهبی و معنوی، امید به آینده، امنیت شغلی، سپری کردن اوقات فراغت با خانواده و هزینه های زندگی تاثیر مثبت بر خوشبختی افراد دارد. همچنین داشتن روابط بانکی و استفاده از تسهیلات بانکی و تحصیلات تاثیر منفی بر خوشبختی دارد.

محمدزاده و همکاران (۱۳۹۲) تاثیر درآمد بر شادی نیروی کار در ایران را با استفاده از داده های پرسشنامه ای برای دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ و با روش حداکثر راستنمایی داده های تابلویی مورد بررسی قرار دادند. یافته های تجربی آنها نشان دهنده تاثیر مثبت و معنی دار درآمد بر شادی نیروی کار در ایران می باشد.

افشاری و دهمرده (۱۳۹۳) به بررسی اثر فقر، نابرابری درآمد و شاخص توسعه انسانی بر شادکامی در ۱۰۰ کشور منتخب جهان در بازه زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۲ پرداخته اند. آنها برآورد را برای کل کشورها و به تفکیک دو گروه کشورهای توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه انجام داده اند. یافته های آنها نشان می دهد که در دو گروه کشورهای مورد مطالعه، فقر اثر منفی بر شادکامی دارد، ولی بهبود توزیع درآمد شادکامی را افزایش می دهد. همچنین، نتایج رابطه مثبت بین توسعه انسانی و شادکامی را در کل و به تفکیک کشورها نشان می دهد. نتایج این پژوهش به نقش پراهمیت فقر و نابرابری درآمد و توسعه انسانی بر شادکامی جوامع به ویژه در کشورهای در حال توسعه دلالت دارد.

محمدیان منصور و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر شادی ۶۱ کشور در سال ۲۰۱۰ پرداخته اند. بدین منظور از متغیرهای درآمد سرانه، نرخ بیکاری، امید به زندگی، متوسط سال های تحصیل و محدودیت های مذهبی استفاده شده است. نتایج حاکی از وجود یک رابطه خطی بین درآمد سرانه و شادی است؛ به گونه ای که با

افزایش درآمد، شادی نیز افزایش می‌یابد. نرخ بیکاری اثر کاهنده و متوسط سال‌های تحصیل نیز در سطح معناداری پایین‌تری نسبت به سایر متغیرهای مدل، اثر مثبت بر شادی دارد. افزایش محدودیت‌های دولت و خصومت‌های اجتماعی نیز به‌عنوان شاخص‌های اندازه‌گیری محدودیت‌های مذهبی با شادی کم‌تری در جوامع همراه شده است. در نهایت نتیجه کلی این مقاله بدین صورت بوده است که کشورهای ثروتمندتر، با نرخ بیکاری و محدودیت‌های مذهبی کم‌تر و با متوسط عمر و سطح تحصیلات بالاتر، شادتر هستند. فتاحی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل اقتصادی- اجتماعی موثر بر شادی و بهره‌وری ۳۷۴۷ نفر از کارگران کارگاه‌های صنعتی شهرستان کرمانشاه پرداخته‌اند. نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه نشان داده است که متغیرهای بهره‌وری، تعداد فرزند، سلامت روحی، علاقه مندی به کار و خوش بین بودن در زندگی با شادی ارتباط مثبت و معنی‌دار دارند و متغیر میزان درآمد ماهیانه با شادی ارتباط منفی و معنی‌داری دارد. علاوه بر این متغیرهای شادی، میزان شرکت در کلاس‌های کارآموزی، رضایت شغلی، امنیت شغلی، قبول داشتن شغل توسط خانواده و ایمان به خدا با متغیر بهره‌وری دارای ارتباط مثبت و معنی‌دار هستند. همچنین در مطالعه مذکور، فرضیه برابری میانگین شادی و میانگین بهره‌وری در سطوح متغیر جنسیت (گروه مردان و زنان) پذیرفته شده است. خورسندی و علی‌بابایی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به مقایسه اثر بیکاری و تورم بر شادی پرداخته‌اند. آنها با روش پانل دو نمونه شامل ۱۴۶ کشور جهان و ایران و کشورهای همسایه‌اش را مطالعه کرده‌اند. نتایج حاصل از تخمین‌ها نشان می‌دهد در هر دو نمونه، بیکاری نقش موثرتری در کاهش شادی و رفاه دارد. در نمونه ایران و کشورهای همسایه، قدر مطلق ضریب بیکاری تقریباً ۲/۴ برابر ضریب تورم است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در ساخت توابع زیان اجتماعی و همچنین شاخص فلاکت، وزن بیکاری بیش از تورم بوده و این وزن با توجه به گروه کشورهای تحت بررسی، می‌تواند متفاوت باشد. در مطالعه مشابهی نیز ابونوری و اسکندری (۱۳۹۵) اثرات تورم و بیکاری بر شادی را برای برای سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ در ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا و ایران بررسی کرده‌اند. به منظور مقایسه میزان اثرگذاری تورم و بیکاری بر شادمانی، این متغیرها استاندارد شده‌اند. با برآورد مدل به روش پانل و اثرات ثابت نتایج حاصل نشان می‌دهد که اثرات بیکاری و تورم بر شادمانی منفی و معنادار است.

استرلین (۱۹۹۵) نشان داده است که افزایش درآمد آحاد جامعه لزوماً شادی همه را افزایش نمی‌دهد. با این حال وی نیاز به پژوهش‌های بیشتر در این حوزه را برای درک بیشتر از

ارتباط شادی و درآمد لازم می‌داند. استرلین و همکاران (۲۰۱۰) در مطالعه دیگری مجدداً پارادوکس درآمد-شادی را برای کشورهای بیشتری از جمله کشورهای در حال توسعه شرق اروپا که از نظام سوسیالیستی به سرمایه داری تغییر وضعیت داده‌اند، آزمون نموده‌اند و نتیجه گرفته‌اند شادی در این کشورها پس از یک دوره ۱۰ ساله‌ی افزایش درآمد، افزایش نیافته است اما در کوتاه‌مدت در تمام کشورها حرکت هم‌جهتی بین درآمد و شادی وجود داشته است.

پروبیچ و گلم^۱ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل تعیین کننده اقتصاد کلان بر شادی با تاکید بر عامل مخارج دولت در کشورهای در حال توسعه پرداخته‌اند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که مخارج دولت تاثیری غیرخطی و معنی دار بر شادی این کشورها داشته است. اما بیکاری و تولید ناخالص داخلی سرانه تاثیر معنی داری بر شادی نداشته است. آنها تاثیر تورم را بر خلاف انتظار مثبت یافته‌اند. در مطالعه دیگری در خصوص اثرات اقتصاد کلان بر شادی، بجا^۲ (۲۰۱۷) اثرات رونق و رکود اقتصادی بر شادی را نامتقارن یافته است بدین معنا که رکود تاثیری حداقل دو برابر نسبت به رشد اقتصادی برجای می‌گذارد. به عبارت دیگر یک دوره رکودی در اقتصاد می‌تواند اثر سالها رشد اقتصادی بر شادی را خنثی نماید. این مطالعه بیان می‌کند که پایداری رشد اقتصادی با نرخ‌های باثبات هدف مهمتری نسبت به رشد بالای اقتصادی برای سیاستگذاران اقتصادی است.

سکوئرا^۳ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی تاثیر مخارج دولت بر شادی در کشورهای اروپایی بر اساس ریز داده‌ها پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان داده است که افزایش مخارج دولت و بزرگ‌تر شدن اندازه دولت تاثیری کاهشی بر شادی در کشورهای اروپایی داشته است. در مقابل ارتباط بین کیفیت مخارج دولت و شادی در این کشورها مثبت بوده است. تاثیر منفی اندازه دولت بر شادی در این مطالعه به عواملی چون افزایش مالیات‌ها، افزایش سیاست‌های ریاضتی و افزایش فساد اداری احتمالی ناشی از دولت بزرگتر نسبت داده شده است.

در خصوص ارتباط رانت حاصل از منابع طبیعی از جمله نفت با شادی مطالعات اندکی در خارج از کشور وجود دارد.

اوپالی و نواچونکو (۲۰۱۹) برای بررسی تاثیر رانت نفت بر شادی از مدلی استفاده کرده‌اند که در آن برای شاخص شادی از عکس شاخص فلاکت استفاده شده است. در این مطالعه

¹. Perovic & Golem

². Beja

³. Sequeira

شادی تابعی از رانت نفت، رانت منابع معدنی، رشد اقتصادی و قیمت نفت در نظر گرفته شده است. در این مطالعه کشورهای آفریقایی دارای منابع معدنی و نفتی شامل نیجریه، کامرون، الجزایر و مصر در بازه زمانی ۱۹۹۵-۲۰۱۵ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج مطالعه آنها نشان داده که رانت نفت نتوانسته به شکل معنی‌داری موجب افزایش شادی در این کشورها شود اگرچه افزایش قیمت نفت تاثیر مثبتی بر شادی داشته است. علی و همکاران (۲۰۲۰) نیز با بررسی جامع‌تری از کشورهای دارای منابع طبیعی در بازه زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۲ و بکارگیری روش داده‌های تابلویی به بررسی ارتباط نفرین منابع و شادی پرداخته‌اند. در مدل مورد استفاده آنها تغییرات شادی تابعی از وابستگی به منابع طبیعی و بردار متغیرهای کنترلی موثر بر شادی است. نتایج آنها حاکی از ارتباط منفی بین رانت منابع طبیعی از جمله رانت نفت با شادی است.

۴. تصریح مدل و توصیف داده‌ها

روش تحقیق در این مقاله از نوع تحلیلی-توصیفی و مبتنی بر روش شناسی اقتصادسنجی است زیرا مدل تصریح شده مبتنی بر ادبیات نظری و پیشینه پژوهش استخراج شده است. نحوه جمع‌آوری داده‌ها نیز غیر احتمالی و بر اساس اطلاعات رسمی سازمانهای معتبر جهانی است. اطلاعات شاخص شادی در این پژوهش از «گزارش جهانی شادمانی»^۱ دریافت شده است که نتیجه پرسشنامه‌های گسترده‌ای است که در ۱۱۶ کشور در طول چند دهه گذشته تکمیل شده است. سایر داده‌های تحقیق از وبسایت بانک جهانی و داده‌های WDI و برای بازه زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۶ جمع‌آوری شده‌اند. به منظور بررسی اثر رانت نفتی بر شادی در کشورهای صادرکننده نفت عضو اوپک^۲ با استفاده از ادبیات نظری مدل زیر تصریح شده است:

$$Hap_{it} = f\left(\frac{Oil_{it}}{GDP_{it}}, Infexp_{it}, Un_{it}\right) + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

در الگوی فوق، Hap_{it} معرف شاخص شادی است که اطلاعات شاخص شادی در این پژوهش از «گزارش جهانی شادمانی»^۳ دریافت شده است که نتیجه پرسشنامه‌های

^۱. World Database of Happiness

^۲. کشورهای مورد بررسی ۱۴ کشور را شامل می‌شوند که عبارتند از: ایران، عربستان سعودی، عراق، امارات متحده عربی، الجزایر، آنگولا، اکوادور، گینه استوایی، گابن، کویت، لیبی، نیجریه، قطر و ونزوئلا.

^۳. World Database of Happiness in <https://worlddatabaseofhappiness.eur.nl/>

گسترده‌ای است که در ۱۱۶ کشور در طول چند دهه گذشته تکمیل شده است و $\frac{Oil_{it}}{GDP_{it}}$ نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی است که مبتنی بر تعریف بانک جهانی از تفاضل ارزش تولید نفت خام به قیمت های جهانی با کل هزینه‌ای تولید نفت خام حاصل می‌شود^۱. $Infexp_{it}$ تورم انتظاری، Un_{it} نرخ بیکاری و ε_{it} جزء خطای مدل است. توجیه نظری لحاظ نمودن رانت نفت بر شادی به طور کامل در ادبیات نظری مقاله ارائه شد و لحاظ نمودن متغیرهای تورم و بیکاری در مدل شادی نیز بر اساس مطالعات پیشین همچون پرویچ و گلم (۲۰۱۰) و خورسندی و علی بابایی (۱۳۹۵) انجام شده است بنابراین مبتنی بر روش شناسی اقتصادسنجی تمامی متغیرهای لحاظ شده در مدل از پشتوانه نظری کافی برخوردار هستند.

برای محاسبه نرخ تورم انتظاری از فیلتر هودریک پرسکات برای نرخ تورم هر کشور استفاده شده است که متغیر روند تورم در این فیلتر به عنوان تورم انتظاری در نظر گرفته شده است.

از آنجاییکه فرضیه این پژوهش آزمون اثرات غیرخطی رانت نفتی بر شاخص شادی است لذا بر اساس فرضیه این پژوهش مدل تجربی بصورت یک مدل آستانه‌ای تصریح خواهد شد. بنابراین مدل پژوهش بصورت معادله ۲ تصریح شده است که معادله ۲ نشان دهنده مدل پانل آستانه‌ای است.

$$\begin{aligned} \text{Hap}_{it} = & \beta_1 + \beta_2 \text{Infexp}_{it} + \beta_3 \text{Un}_{it} + A \left[\frac{\text{Oil}_{it}}{\text{GDP}_{it}} \leq \gamma \right] * \beta_4 \frac{\text{Oil}_{it}}{\text{GDP}_{it}} + \\ & A \left[\frac{\text{Oil}_{it}}{\text{GDP}_{it}} > \gamma \right] * \left(\beta_5 + \beta_6 \frac{\text{Oil}_{it}}{\text{GDP}_{it}} \right) + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad (2)$$

$$A \left[\frac{\text{Oil}_{it}}{\text{GDP}_{it}} > \gamma \right] = 1 \quad \text{if} \quad \frac{\text{Oil}_{it}}{\text{GDP}_{it}} > \gamma$$

$$A \left[\frac{\text{Oil}_{it}}{\text{GDP}_{it}} \leq \gamma \right] = 1 \quad \text{if} \quad \frac{\text{Oil}_{it}}{\text{GDP}_{it}} \leq \gamma$$

معادله ۲ رگرسیون پانل آستانه‌ای را نشان می‌دهد که در آن $\frac{\text{Oil}_{it}}{\text{GDP}_{it}}$ متغیر آستانه‌ای است و γ ارزش حد آستانه‌ای نسبت رانت نفتی به تولید ناخالص داخلی است که لازم است این میزان برآورد شود. ارزش حد آستانه‌ای به پیروی از روش هانسن^۲ (۱۹۹۹) بر اساس برآورد رابطه (۲) به ازای مقادیر مختلف متغیر آستانه یعنی $\frac{\text{Oil}_{it}}{\text{GDP}_{it}}$ و حداقل نمودن مجموع مجذور خطاها بدست می‌آید. به عبارت دیگر آن میزان از متغیر آستانه که متضمن کمترین میزان

¹. World Development Indicators (<https://datacatalog.worldbank.org/oil-rents-gdp>)

². Hansen

مجموع مجذور خطاست، آستانه بهینه است. برای معنی‌داری این حدآستانه‌ای از روش خودپردازی^۱ هانسن^۲ (۲۰۰۰ و ۱۹۹۹ و ۱۹۹۶) استفاده می‌شود.

جدول (۱): توصیف داده های شادی و نسبت رانت نفتی به تولید ناخالص داخلی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
شادی	۵/۵۴۸	۱/۱۳	۷/۹	۱/۸
رانت نفت (%)	۳۰/۴۵	۱۶/۱۸	۶۵/۴۲	۳/۰۳
بیکاری (%)	۸/۷۴	۵/۶۴	۲۰/۳۹	۰/۱۶۴
نرخ تورم انتظاری (%)	۹/۵۸	۱۸/۲۶	۱۴۲/۱۶	۰/۳۰

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. برآورد مدل و تفسیر نتایج

قبل از برآورد مدل لازم است که پایایی متغیرهای مدل بررسی شود. بدین منظور از آزمون های ریشه واحد لوین، لی و چو^۳، ایم، پسران و شین^۴ و دیکی فولر تعمیم یافته فیشر^۵ استفاده شده است. نتایج این آزمون‌ها به شرح جدول ۲ ارائه شده است.

جدول (۲): آزمون‌های ریشه واحد متغیرهای مدل

نتیجه آزمون	آزمون دیکی فولر تعمیم یافته فیشر	آزمون ایم، پسران و شین	آزمون لوین، لی و چو	متغیر
	P-Value	P-Value	P-Value	
پایایی	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	شادی
پایایی	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	تورم انتظاری
پایایی	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	بیکاری
پایایی	۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۰۰	نسبت رانت نفتی به تولید ناخالص داخلی

منبع: محاسبات پژوهش

1. Bootstrapping
 2. Hansen
 3. Levin, Lin & Chu
 4. Im, Pesaran and Shin
 5. ADF - Fisher Chi-square

همانطور که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد کلیه متغیرها در سطح معنای ۵٪ درصد پایا هستند لذا می‌توان برآورد مدل پژوهش را بدون گرفتاری در دام رگرسیون جعلی برآورد نمود. بنابراین در ادامه به برآورد مدل پرداخته می‌شود. در ادامه به برآورد مدل می‌پردازیم و نتایج مدل در جداول ۳ و ۴ ارائه شده است.

جدول (۳): نتایج برآورد مدل پانل آستانه‌ای (اثرات ثابت)

P-Value	ضریب	متغیر
۰/۰۰	۰/۴۳	حد آستانه نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی
۰/۰۰	۵/۹۰	عرض از مبدا در رژیم رانت نفتی پایین
۰/۰۰	۸/۳۳	عرض از مبدا در رژیم رانت نفتی بالا
۰/۰۰	۰/۰۰۵	نسبت رانت نفتی به تولید ناخالص داخلی در رژیم رانت نفتی پایین
۰/۰۰	-۰/۰۳۸	نسبت رانت نفتی به تولید ناخالص داخلی در رژیم رانت نفتی بالا
۰/۰۱	-۰/۰۴۶	بیکاری
۰/۰۰	-۰/۰۲۴	تورم انتظاری
۰/۹۳		R ²
۰/۵۱		آزمون نرمال بودن Jarque-Bera (P-Value)

منبع: محاسبات پژوهش

جدول (۴): نتایج برآورد مدل پانل آستانه‌ای (اثرات تصادفی)

P-Value	ضریب	متغیر
۰/۰۰	۰/۴۳	حد آستانه نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی
۰/۰۰	۶/۳۷	عرض از مبدا در رژیم رانت نفتی پایین
۰/۰۰	۹/۸۱	عرض از مبدا در رژیم رانت نفتی بالا
۰/۰۸	۰/۰۰۷	نسبت رانت نفتی به تولید ناخالص داخلی در رژیم رانت نفتی پایین
۰/۰۰	-۰/۰۶	نسبت رانت نفتی به تولید ناخالص داخلی در رژیم رانت نفتی بالا
۰/۰۰	-۰/۰۹	بیکاری
۰/۰۶	۰/۰۲۴	تورم انتظاری
۰/۲۵		R ²
۰/۱۳		آزمون نرمال بودن Jarque-Bera (P-Value)

منبع: محاسبات پژوهش

جداول ۳ و ۴ به ترتیب نتایج برآورد حاصل از مدل‌های پانل آستانه‌ای با اثرات ثابت و تصادفی را نشان داده است. نتایج برآورد مدل‌ها همراستا با یکدیگر بوده و لذا می‌توان نتایج را بصورت خلاصه به شرح زیر تفسیر نمود:

➤ حد آستانه‌ای رانت نفتی به تولید ناخالص داخلی برای کشورهای اوپک ۰/۴۳ بدست آمده است بطوریکه نتایج آزمون خطی بودن هانسن با روش خودپردازی نیز معنی-داری حد آستانه را تایید می‌کند. مفهوم این حد آستانه آن است که در رژیم رانت نفتی پایین یعنی تا زمانی که نسبت رانت نفتی به تولید ناخالص داخلی کمتر از ۰/۴۳ باشد، افزایش رانت نفتی تاثیری مثبت و معنی‌دار بر شادی در کشورهای صادرکننده نفت اوپک داشته است. اما در رژیم رانت نفتی بالا یعنی زمانی که نسبت رانت نفتی به تولید ناخالص داخلی بزرگتر از ۰/۴۳ باشد، افزایش رانت نفت منجر به کاهش شادی در این جوامع نفتی شده است. این اثر را می‌توان اینگونه تحلیل نمود که در رژیم رانت نفت پایین، درآمدهای نفتی از مسیر افزایش مخارج بهداشتی، آموزشی، زیرساخت‌های راهسازی، انرژی رسانی به مناطق مختلف کشور، ساخت کالاهای عمومی مانند ورزشگاهها، مراکز تفریحی و سرگرمی، گسترش آموزش عالی و دانشگاهها و افزایش کسب و کار و اشتغال ناشی از تزریق درآمدهای نفتی به افزایش شادی جامعه منجر شده است اما پس از شدت گرفتن رانت نفتی در این جوامع و سوق پیدا کردن رانت نفتی به سمت مخارج غیرتوسعه‌ای همانند مخارج نظامی، اعطای یارانه مستقیم بجای سرمایه گذاری در زیرساختها، تقویت فعالیت‌های رانتجویی در اقتصاد، تقویت نظم دسترسی محدود، تضعیف حکمرانی خوب و کاهش پاسخگویی دولت به مردم و در نتیجه تضعیف دموکراسی، افزایش فساد اقتصادی، تضعیف جامعه مدنی به بهای بزرگ شدن اندازه دولت، تضعیف فعالیت‌های بخش خصوص و شکل‌گیری بخش شبه دولتی یا خصولتی و کنار زدن بخش مردمی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، استقلال مالی دولت از مردم و تضعیف سیستم مالیات ستانی به عنوان حلقه ارتباط بخش مردمی و دولتی و در نتیجه کم توجهی دولت به تقویت تولید ملی و تخصیص غیربهبینه منابع بصورت تبعیض آمیز موجب افزایش فقر و نابرابری و کاهش رشد اقتصادی و تولید ملی شده و لذا هم از منظر اقتصادی، هم از منظر اجتماعی و هم از منظر سیاسی موجب کاهش شادی مردم شده است. در بازه زمانی مورد مطالعه کشورهایی که از حد آستانه مذکور عبور کرده اند عبارتند از آنگولا طی سالهای ۲۰۰۴-۲۰۰۸ و ۲۰۱۱، گینه استوایی طی سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۰، عراق طی سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۴ و ۲۰۱۱-۲۰۱۲، کویت در سال ۲۰۰۰ و طی سالهای ۲۰۰۴-۲۰۰۰ و ۲۰۱۴-۲۰۱۰، لیبی طی سالهای ۲۰۰۲-۲۰۱۱ و عربستان

سعودی طی سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۷ و ۲۰۱۲-۲۰۱۱. سایر کشورها در بازه زمانی مورد مطالعه از حد آستانه ۴۳٪ رانت نفت عبور نکرده‌اند.

➤ نرخ بیکاری تاثیر منفی و معنی داری بر شادی در کشورهای اوپک داشته است. به عبارت دیگر با افزایش بیکاری در جوامع و در نتیجه گسترش فقر مطلق در جامعه و همچنین افزایش جرم و جنایت، شادی در این جوامع کاهش یافته است که امری سازگار با تئوری و شواهد دنیای واقعی نیز هست.

➤ نرخ تورم انتظاری نیز تاثیری منفی و معنی دار بر شادی در این جوامع داشته است. تورم انتظاری به دلیل کاهش قدرت خرید مردم، افزایش نابرابری توزیع درآمد، ایجاد ناطمینانی در فضای اقتصادی و همچنین تضعیف توان رقابتی تولیدکنندگان داخلی در مقایسه با رقبای خارجی و در نتیجه تضعیف تولید ملی اثرات کاهشی بر شادی جوامع برجای می‌گذارد.

➤ در مدلها عرض از مبدا در دو رژیم متفاوت بوده است که نشان از تغییر رژیم رانت نفتی دارد.

➤ نهایتاً ضریب تعیین مدل اثرات ثابت نسبت به مدل اثرات تصادفی فاصله قابل توجهی نشان می‌دهد که نشان از قدرت بالای توضیح دهندگی شادی در مدل اثرات ثابت نسبت به مدل اثرات تصادفی است بطوریکه در مدل اثرات ثابت ۹۳ درصد تغییرات شادی توسط متغیرهای توضیحی شامل نسبت رانت نفتی به تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم و نرخ بیکاری توضیح داده شده است.

➤ همسو بودن نتایج در هر دو مدل بخصوص نتیجه تاثیر آستانه‌ای رانت نفت بر شادی نشان از استحکام^۱ نتایج بدست آمده دارد. لذا فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر اثرات آستانه‌ای رانت نفت بر شادی در کشورهای اوپک برای بازه زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۶ را نمی‌توان رد نمود. لذا می‌توان گفت رانت نفت از یک حد آستانه به بعد از طریق کاهش شادی در جامعه تبدیل به یک نفرین شده است و فرضیه نفرین منابع را برای رژیم رانت نفت بالا تایید می‌کند اگرچه رانت نفت قبل از آستانه توانسته است به عنوان یک موهبت موجب افزایش شادی در جامعه شود.

^۱. Robustness

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در این پژوهش ارتباط رانت نفت و شادی در کشورهای منتخب صادرکننده نفت اوپک در بازه زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۶ مورد ارزیابی قرار گرفته است. فرضیه این پژوهش ارتباط غیرخطی و آستانه‌ای رانت نفت و شادی در این کشورهای نفتی است. برای آزمون این فرضیه با استفاده از ادبیات نظری و پیشینه پژوهش عوامل موثر بر شادی در جامعه مبتنی بر روش شناسی اقتصادسنجی مدل‌سازی شده است. بدین منظور از روش پانل آستانه‌ای استفاده شده است. مدل‌های پانل آستانه هم شامل دو مدل اثرات ثابت و تصادفی هستند. بنابراین پس از اطمینان از پایایی متغیرهای مدل پژوهش، برآورد مدل‌های پژوهش با هر دو روش یادشده انجام شد. نتایج برآورد مدل‌های پژوهش نشان می‌دهد که رانت نفت تاثیری آستانه-ای بر شادی در جوامع نفتی داشته است. به عبارت دیگر تا قبل از آستانه ۰/۴۳ از شاخص نسبت رانت نفتی به تولید ناخالص داخلی، رانت نفت تاثیری افزایشی بر شادی جامعه داشته است اما پس از عبور از آستانه مذکور و تشدید رانت نفتی در اقتصاد، این متغیر تاثیری کاهشی بر شادی جامعه داشته است. با توجه به اینکه تاثیر رانت نفت بر شادی تاکنون کمتر در مطالعات پیشین مورد توجه بوده است نتایج جدید این پژوهش می‌تواند موضوع جدیدی را به فرضیه نفرین منابع اضافه نماید. همچنین نتایج مدل‌های پژوهش نشان دهنده تاثیر کاهشی نرخ بیکاری و نرخ تورم انتظاری بر شادی در کشورهای اوپک است که امری سازگار با شواهد تجربی است.

برگرفته از نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود سیاستگذاران در کشورهای نفتی عضو اوپک، به رابطه آستانه‌ای رانت نفت بر شادی جامعه در اعمال سیاست‌های خود و تخصیص منابع نفتی در بودجه توجه نمایند. در این راستا سیاستمداران می‌توانند منابع نفت را بیشتر در جهت تقویت شادی همچون مخارج ورزشی، سلامت، بهداشت، زیرساخت‌های جاده‌ای و مراکز تفریحی و سرگرمی به منظور جذب توریست داخلی و خارجی در جامعه خرج نمایند. در این راستا می‌توان تجربه امارات متحده عربی در تاسیس وزارتخانه شادی و تخصیص منابع نفتی در راستای تقویت بخش توریسم و مراکز سیاحتی، تفریحی و ورزشی را مورد توجه قرار داد. همچنین به منظور پیشنهاد برای مطالعات آتی، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی تاثیر متغیرهای نهادی بر شادی همچون حکمرانی خوب، شاخص کیفیت نهادی، شاخص دموکراسی، آزادی اقتصادی و حقوق مالکیت مورد بررسی و آزمون قرار گیرند.

منابع و مأخذ:

- ابونوری، اسمعیل و اسکندری، جمال (۱۳۹۵)، مقایسه اثرات تورم و بیکاری بر شادمانی، سیاست‌گذاری اقتصادی، ۸ (۱۵): ۱۳۷-۱۵۲.
- افشاری، زهرا و دهمرده، لعیا (۱۳۹۳)، بررسی اثر فقر، نابرابری درآمد و شاخص توسعه انسانی بر شادکامی در کشورهای منتخب، سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی، ۲(۴): ۳۱-۵۹.
- بهبودی، داود، اصغری‌پور، حسین، باستان، فرانک و سیف، یزدان (۱۳۹۲)، تأثیر درآمدهای نفتی بر سرمایه اجتماعی در ایران، پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار (پژوهش‌های اقتصادی)، ۱۳(۳): ۱۰۹-۱۲۴.
- خورسندی، مرتضی و علی‌بابایی، نسترن (۱۳۹۵)، بیکاری بدتر است یا تورم؟ مقایسه اثر بیکاری و تورم بر شادی، پژوهشنامه اقتصادی، ۱۶(۶۳): ۱-۲۴.
- زمانزاده، حمید و الحسینی، صادق (۱۳۹۱)، اقتصاد ایران در تنگنای توسعه. چاپ اول. نشر مرکز. تهران. ایران.
- شاگری، عباس، محمدی، تیمور، ناظمان، حمید، و طاهرپور، جواد (۱۳۹۲)، بررسی رخداد بیماری هلندی در اقتصاد ایران و اثر آن بر رشد اقتصادی، پژوهشنامه اقتصادی، ۱۳(۵۰): ۶۳-۸۶.
- عبادی، زهرا، حسین پور، فاطمه، عبدالهیان، حمیدرضا و سعیدی، سید ناصر (۱۳۹۷)، بررسی اثر وفور منابع نفت و گاز بر کارایی انرژی در کشورهای تحصیلدار، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، ۱۴(۵۷): ۲۰۱-۲۳۴.
- فتاحی، شهرام، کرمی، جهانگیر و محمدی‌راد، منصور (۱۳۹۵)، بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر شادی و بهره‌وری نیروی کار (مطالعه موردی کارگاه‌های صنعتی شهرستان کرمانشاه)، مدیریت بهره‌وری (فراسوی مدیریت)، ۹(۳۶): ۷-۳۶.
- فطرس، محمد حسن، غفاری، هادی، شهبازی، آزاده (۱۳۹۰)، مطالعه رابطه آلودگی هوا و رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱(۱): ۷۷-۵۹.
- فلیحی پیربستی، نعمت و رهبری نژاد، شیرین (۱۳۹۱)، خوشبختی و بهره‌وری نیروی کار در ایران: رویکرد اقتصادسنجی و سیستم دینامیکی، دو فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش‌های اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی، ۱(۱): ۱-۲۴.
- محمدزاده، پرویز، اصغری‌پور، حسین و منیعی، امید (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر درآمد بر شادی نیروی کار در ایران، تحقیقات اقتصادی، ۴۸(۱): ۱۳۹-۱۵۸.
- محمدیان منصور، صاحبه، گل‌خندان، داود، خوانساری، مجتبی و گل‌خندان، ابوالقاسم (۱۳۹۴)، تحلیل عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر شادی (یک تحلیل اقتصادسنجی با در نظر گرفتن محدودیت‌های مذهبی)، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۷(۲۵): ۱۶۳-۱۲۵.

نادمی، یونس و زبیری، هدی (۱۳۹۶)، نفت و سرمایه انسانی: تفکری دوباره بر فرضیه نفرین منابع در ایران، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ۶(۲۳): ۱۵۳-۱۸۳.

نیلی، فرهاد و بابازاده خراسانی، بهزاد (۱۳۹۱)، شناسایی عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی در ایران، پژوهشهای پولی و بانکی، ۶(۱۴): ۲۷-۴۸.

Alesina, A., Di Tella, R., & MacCulloch, R. (2004), Inequality and happiness: are Europeans and Americans different?, *Journal of public economics*, 88(9-10): 2009-2042.

Ali, S., Murshed, S. M., & Papyrakis, E. (2020), Happiness and the resource curse, *Journal of Happiness Studies*, 21(2): 437-464.

Arellano, M., & Bond, S. (1991), Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations, *The review of economic studies*, 58(2): 277-297.

Arezki, R., & Brückner, M. (2011), Oil rents, corruption, and state stability: Evidence from panel data regressions, *European Economic Review*, 55(7): 955-963.

Argyle, M. (2013), *The psychology of happiness*, Routledge.

Auty, R. M. (1993), *The resource curse thesis*, London and New York: Routledge.

Beja, E. L. (2017), The asymmetric effects of macroeconomic performance on happiness: Evidence for the EU, *Intereconomics*, 52(3): 184-190.

Bhattacharyya, S., & Hodler, R. (2010), Natural resources, democracy and corruption, *European Economic Review*, 54(4): 608-621.

Blanco, L., & Grier, R. (2012), Natural resource dependence and the accumulation of physical and human capital in Latin America, *Resources Policy*, 37(3): 281-295.

Bowland, C. (2012), Resource Abundance in Mozambique: Governance Issues and the Possibility of Violence, Available at: <https://prezi.com/.../resource-abundance-in-mozambique-governanc>.

Buccellato, T. & Alessandrini, M. (2009), Natural Resources: a Blessing or a Curse? The Role of Inequality, *Centre for Financial & Management Studies*, Discussion Paper, No. 98.

Busse, M., & Gröning, S. (2013), The resource curse revisited: governance and natural resources, *Public choice*, 154(1-2): 1-20.

Carabelli, A. M., & Cedrini, M. A. (2011), The economic problem of happiness: Keynes on happiness and economics, In *Forum for Social Economics*, 40(3): 335-359.

- Easterlin, R. A. (1995), Will raising the incomes of all increase the happiness of all?, *Journal of Economic Behavior & Organization*, 27(1): 35-47.
- Easterlin, R. A., McVey, L. A., Switek, M., Sawangfa, O., & Zweig, J. S. (2010). The happiness–income paradox revisited, *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 107(52): 22463-22468.
- Ebeke, Ch. and Omgeba, L., D. (2011), Oil Rents, Governance Quality, and the Allocation of Talents in Developing Countries, CERDI, Etudes et Documents, No. 201123.
- Frey, B. S., & Stutzer, A. (2000), Happiness, economy and institutions, *The Economic Journal*, 110(466): 918-938.
- Frey, B. S., & Stutzer, A. (2000), Maximising happiness?, *German economic review*, 1(2): 145-167.
- Frey, B. S., & Stutzer, A. (2002), What can economists learn from happiness research?, *Journal of Economic literature*, 40(2): 402-435.
- Graham, C. (2005), The economics of happiness, *World economics*, 6(3): 41-55.
- Hansen, B. E. (1996), Inference when a nuisance parameter is not identified under the null hypothesis, *Econometrica: Journal of the econometric society*, 413-430.
- Hansen, B. E. (1999), Threshold effects in non-dynamic panels: Estimation, testing, and inference, *Journal of econometrics*, 93(2): 345-368.
- Hansen, B. E. (2000), Sample splitting and threshold estimation, *Econometrica*, 68(3): 575-603.
- Knabe, A., & Rätzl, S. (2010), Income, happiness, and the disutility of labour, *Economics Letters*, 107(1): 77-79.
- Mallaye, D., Yogo, T. U. & Timba, G. T. (2015), Oil Rent and Income Inequality in Developing Economies: Are They Friends or Foes?, *Etudes et Documents*, 02, CERDI.
- Moshiri, S., & Hayati, S. (2017), Natural resources, institutions quality, and economic growth; A cross-country analysis, *Iranian Economic Review*, 21(3): 661-693.
- Nademi, Y. (2018), The resource curse and income inequality in Iran, *Quality & Quantity*, 52(3): 1159-1172.
- North, D. C., Wallis, J. J., Webb, S. B., & Weingast, B. R. (2007), Limited access orders in the developing world: A new approach to the problems of development, *The World Bank*.

- Opaleye, S. S., & Nwachukwu, C. E. (2019), Does Oil Rent Increase Happiness? A Partial Efficiency Analysis of Selected African Countries, *Trends Economics and Management*, 13(34): 97-112.
- Ouweneel, P. (2002), Social Security and Well-being of the Unemployed in 42 nations, *Journal of Happiness Studies*, 3(2): 167-192.
- Perovic, L. M., & Golem, S. (2010), Investigating macroeconomic determinants of happiness in transition countries: How important is government expenditure?, *Eastern European Economics*, 48(4): 59-75.
- Philippot, L. M. (2010), Are Natural Resources a Curse for Human Capital Accumulation?, *Nature Non Technology*, 2(11):665-671.
- Ruprah, I. J., & Luengas, P. (2011), Monetary policy and happiness: Preferences over inflation and unemployment in Latin America, *The Journal of Socio-Economics*, 40(1): 59-66.
- Sachs, J. D., & Warner, A. M. (1995), Natural resource abundance and economic growth, *National Bureau of Economic Research*, No. w5398.
- Sachs, J. D., & Warner, A. M. (2001), The curse of natural resources, *European economic review*, 45(4-6):827-838.
- Sequeira, T. N., Minas, T. S., Ferreira-Lopes, A., & Santos, M. (2017), Do large governments decrease happiness? New evidence of a negative effect in Europe, *International Journal of Happiness and Development*, 3(3): 193-240.
- Shamsi, R. S. H. A., Ameen, A. A., Isaac, O., Al-Shibami, A. H., & Khalifa, G. S. (2018), The impact of innovation and smart government on happiness: Proposing conceptual framework, *International Journal of Management and Human Science*, 2(2): 10-26.
- Topp, V., & Kulys, T. (2014), On productivity: the influence of natural resource inputs, *International Productivity Monitor*, 27: 64-78.
- Van Praag, B. M., Van Praag, B., & Ferrer-i-Carbonell, A. (2004), *Happiness quantified: A satisfaction calculus approach*, Oxford University Press.